



| ۱۰۵ |

انصار و سقیفه  
دکتر ابراهیم خراسانی پاریزی  
علمی-پژوهشی  
فصلنامهٔ تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه  
سال نوزدهم، شماره ۷۶ «ویژه پژوهش‌های حدیثی»، پاییز ۱۴۰۱، ص ۱۰۵-۱۲۱

## انصار و سقیفه

دکتر ابراهیم خراسانی پاریزی<sup>۱</sup>

### چکیده

بعد از رحلت پیامبر ﷺ گروهی از انصار در سقیفه گرد آمدند و از رهبری جامعه و تعیین جانشین پیامبر ﷺ سخن گفتند که به نظر می‌رسد طرح چنین سخنانی از سوی انصار در آن ساعات، واکنشی در مقابله با برخی اقدامات مهاجران بود. چرا که آنان با قرائی پی برده بودند که گروهی از مهاجران قصد تسلط بر قدرت را دارند و انصار با تجمع در سقیفه قصد پیشگیری داشتند. البته آنچه انصار را به این اقدام نسنجیده و داشت ترس همراه با رقابت با قریش بوده است. اگرچه خدمات انصار در کمک به اعتلای اسلام در عصر پیامبر اعظم ﷺ نیز می‌تواند از جمله دلایل توجه آنان به حکومت باشد. همچنین با مرور متون تاریخی مربوط به سقیفه بایستی گفت بسیاری از انصار شاخص طرفدار امام علی علیهم السلام مانند جابر بن عبد الله انصاری در سقیفه حضور نداشتند. هدف این پژوهش بررسی جوانب متعدد علل تجمع انصار در سقیفه و تحلیل آن است که با استفاده از متون تاریخی دست اول و تحلیل پژوهش‌های جدید انجام شده است.

کلید واژه‌ها: انصار، مهاجران، سقیفه، خلافت، ابوبکر.

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی (تاریخ و تمدن ملل اسلامی)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت  
Email: abrahim.khorasany@gmail.com



## مقدمه

روایت اصلی منابع تاریخی از شاهدان جریان سقیفه، خطبه خلیفه دوم در دوران خلافتش در شرح سقیفه است. وی، انصار را به توطئه برای غصب حکومت و به دست گرفتن جانشینی پیامبر ﷺ و محروم کردن مهاجران از حق خود متهم کرده و به این گونه مشروعیت تحولات سقیفه را توجیه کرده است. در پی او بسیاری از تاریخ نگاران قدیم و جدید هم عموماً پیشگامی انصار را به همین گونه تحلیل کرده‌اند که این مقاله در صدد است این تفسیر را مورد نقد و بررسی قرار دهد و در صدد پاسخگویی به این سوال است که عوامل و انگیزه‌های انصار برای تجمع در سقیفه چه بوده است؟ و در این راستا بعد از شرح ماجراهای سقیفه به تحلیل این جریان پرداخته است و سعی شده با استفاده از منابع دست اول و بهره‌گیری از دیدگاه‌های صاحب نظران این مسئله را تحلیل و بررسی نماید.

## سقیفه

بعد از رحلت پیامبر ﷺ، هنگامی که امام علی علیه السلام و اطرافیانش سرگرم کفن و دفن پیکر مطهر پیامبر اکرم ﷺ بودند، گروهی از انصار در سقیفه بنی ساعده گردآمدند و از رهبری جامعه و تعیین جانشین پیامبر ﷺ سخن گفتند. رئیس خزرج سعد بن عباده، با حال بیماری نشسته و ناطقی سخنان اورا به بانگ بلند می‌گفت تا یارانش بشنوند. سعد پس از حمد و سپاس خداوند گفت: ای گروه انصار، آن فضیلت و سابقه ای که شما در اسلام دارید هیچ یک از قبایل عرب ندارد. محمد ﷺ بیش از ده سال در میان قوم خویش بود که آنها را به پرستش خداوند و کنار گذاشتن بتان فرامی خواند، لیکن جز عده‌ای کم، کسی به او ایمان نیاورد که آن عده کم هم قدرت دفاع از پیامبر را نداشتند و نمی‌توانستند ستم از خویش برانند تا خدا که می‌خواست شما را فضیلت دهد و کرامت بخشد و نعمت ارزانی دارد، ایمان خویش و پیامبر خویش را نصیب شما نمود و دفاع از پیامبر و یاران وی و پیکار با دشمنانش را به عهده شما نهاد که با دشمنان وی از خودی و بیگانه به سختی درافتادید تا آنکه اعراب از روی میل یا اکراه به فرمان خدا گردن نهادند و اطاعت کردند و خدا به کمک شما این سرزمین را مطیع پیامبر خویش کرد و اعراب در سایه شمشیر شما



به او گرویدند و خداوند هم اورانزد خود برد در حالی که او از شما خشنود و راضی بود. این کار را بگیرید و به دیگران مگذارید که از شماست و از دیگران نیست. (تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۱۸؛ الامامه والسياسه، ج ۱، ص ۲۲).

آنگاه انصار گفتار اورا اجابت کردند و گفتند: رای تودرست است و ما این امر را به تو می‌سپاریم زیرا توبا کفایتی و مورد رضایت مومنین هستی. سپس انصار با خود گفتگو مشورت کردند و گفتند: اگر مهاجرین قریش قبول نکنند و بگویند ما مهاجر و یار نخستین واقوام و عشیره پیامبر هستیم برای چه برساین کار با ما مخالفت و سنتیز می‌کنید؟ آنگاه گروهی از آنها گفتند: در این صورت می‌گوییم یک امیر از ما و یک امیر از شما و جزاین هرگز به کار دیگری تن نخواهیم داد. چون سعد بن عباده این سخن را شنید گفت: این نخستین سنتی است (تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۱۹).

خبر تجمع انصار به عمر رسید. عمر، ابوبکر را خبر کرد و هردو شتابان به طرف سقیفه رفتند. در راه ابو عبیده جراح هم به آنان ملحق شد. با حضور آنان در سقیفه ورق برگشت. ابوبکر در آنجا برخاست و نخست شرحی در فضایل مهاجر و انصار هردو بیان کرد. با قید این نکته که مهاجرین در درجه اولند. چرا که آنان خویشاوندان پیامبر ﷺ و نخستین کسانی هستند که به او گرویدند، بدین جهت حکومت را باید مهاجرین داشته باشند و اینکه عرب نیز زیربار غیر قریش نخواهد رفت. بعضی از انصار پیشنهاد کردند که دو امیر انتخاب شود یکی از مهاجران و دیگری از انصار، که این پیشنهاد نیز مورد قبول واقع نشد. ابوبکر گفت: ما باید امیر باشیم و شما وزیران ما باشید و ما باید مشورت و رای شما کاری نخواهیم کرد. پس از ابوبکر، عمر و ابو عبیده نیز هریک سخنانی گفتند و سرو صدا زیاد شد، بشیر بن سعد خزر جی هم که برخویشاوند خود سعد رشک می‌برد. شرحی در تایید سخنان ابوبکر بیان کرد. آنگاه ابوبکر با اشاره به عمر و ابو عبیده از حاضرین خواست که با یکی از این دو بیعت کنند. ولی آن دونفر این درخواست را رد نمودند و متقابلاً ابوبکر را نامزد ساختند. مهاجرت، قریش بودن و دوستی با پیامبر ﷺ و کهنسالی ابوبکر مورد استدلال قرار گرفت. بشیر بن سعد خزر جی همراه با عمر و ابو عبیده با ابوبکر بیعت کردند. اسید



بن حضیرا ز بزرگان اوس هم خطاب به او سیان گفت: به خدا اگر خزر جیان بر شما امارت یابند پیوسته به این کار بر شما برتری جویند و سهمی برای شما منظور ندارند، برخیزید و با ابوبکر بیعت کنید. "او سیان نیز برخاستند و با ابوبکر بیعت کردند. (تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۱۹-۲۲۱؛ الامامه والسياسة، ج ۱، ص ۲۶-۲۲).

در این میان فریاد خواهی گروهی از انصار که گفتند: "ما جز با علی بیعت نخواهیم کرد." (تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۰۲؛ الكامل، ج ۲، ص ۱۵) به جایی نرسید و سعد بن عباده نیز که بیعت نکرد با خشونتی تمام رانده شد. فردای سقیفه، با فعالیت گسترده عمر، در مسجد النبی ﷺ با ابوبکر به عنوان خلیفه رسول الله ﷺ بیعت شد.

بدین سان انصار دانه ای را کاشتند که محصول آن را مهاجرین قریش در او کردند که زوایای این حادثه قابل بررسی است و سوالات متعددی در این زمینه مطرح است از جمله اینکه چه عواملی باعث تجمع انصار در سقیفه و توجه آنان در بدست گرفتن حکومت شد؟

سال بیهوده، پیغمبر اسلام

### بررسی علل تجمع انصار در سقیفه

روایت اصلی منابع تاریخی از شاهدان جریان سقیفه، خطبه خلیفه دوم در دوران خلافتش در شرح سقیفه است (سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۳۱۴-۳۱۸). وی، انصار را به توطئه برای غصب حکومت و به دست گرفتن جانشینی پیامبر ﷺ و محروم کردن مهاجران از حق خود متهم کرده و به این گونه مشروعیت تحولات سقیفه را توجیه کرده است. در پی او بسیاری از تاریخ نگاران قدیم و جدید هم عموماً پیشگامی انصار را به همین گونه تحلیل کردند. در هر صورت این تفسیر باید مورد بررسی قرار گیرد (جانشینی حضرت محمد ﷺ، ص ۶۵). غیبت اکثریت مطلق مهاجران در سقیفه، فقدان روایاتی مستقل از روایت شخص خلیفه دوم از این اجتماع و اینکه انصار حاضر در ماجرا سقیفه ظاهراً به دلیل شکستشان در سقیفه و یا اینکه این کار را عملی غیر اسلامی می دانستند، روایتی در چرایی و چگونگی سقیفه نقل نکرده اند (همان، ص ۶۷). هیچ تاریخ نویسی نیز بدون استدلال به خبر نقل شده از سوی خلیفه دوم، انصار را با تشکیل سقیفه به کوشش برای



تصاحب خلافت متهم نکرده است. اما از آنجا که این واقعه با بیان مخالفان انصار و قهرمانان اصلی سقیفه ترسیم و تشریح شده و وسائل تبلیغاتی خلفاء آن را ترویج کرده است چنین وانمود شده که نخستین کوشش گران تصاحب خلافت، انصار بودند و مهاجران از ترس فته انگیزی انصار بوده است که به تعیین خلیفه پرداختند (نظریه عدالت صحابه، ص ۲۹۷-۲۹۸).

اما منابع شیعی و برخی تحلیل‌های قابل اعتماد شرق شناسان، تفسیرهایی به طور کامل متفاوت از حادثه سقیفه دارند. این منابع و تحلیل‌ها، تحولات سقیفه را قدامی دو مرحله‌ای و در راستای هدف‌هایی از پیش تعیین شده می‌دانند. (نظريات الخليفتين، ص ۱۲۵) هدف‌هایی چون:

یکم: حصر خلافت در قریش به منظور کنار زدن انصار؛ استدلال اصلی در این مرحله مبتنی بر روایت احادیثی از پیامبر ﷺ درباره رهبری قریش (الائمه من قریش) از یک سو، و تکیه بر سنت‌های قبیله‌ای و راثت از سوی دیگر.

دوم: حصر خلافت در مثلث قریش موجود در سقیفه (ابوبکر، عمر و ابوعبیده)؛ این کار به منظور کنار زدن بنی هاشم از دایره داوطلبان خلافت بود. این امر نیز با تعمد برای به حاشیه راندن و غایب ماندن بنی هاشم از یک سو و شتاب در انجام بیعت بریکی از اصلاح مثلث فوق از سوی دیگر تحقق یافت. (تاریخ تحول دولت در اسلام، ص ۱۵۷).

برخی شرق شناسان معروف، پیچیدگی‌ها و وضعیت معتمدی "سقیفه" را مورد تأمل جدی قرار دادند. در سال ۱۹۱۰م لامنس مقاله‌ای به نام "مثلث قدرت ابوبکر، عمر و ابوعبیده" منتشر کرد و به بحث در این مساله پرداخت که هدف مشترک و همکاری نزدیک این سه تن، که در زمان حیات رسول خدا ﷺ آغاز شده بود، این توان را به آنان بخشید که خلافت ابوبکر و عمر را پایه گذاری کنند و اگر ابوعبیده نیز پیش از عمر از دنیا نرفته بود، البته او خلیفه سوم می‌شد. (مثلث قدرت ابوبکر، عمر و ابوعبیده، دوره ۴، ص ۱۲۶) به نظر مادلونگ، هر چند لامنس از توطئه برای کسب خلافت سخنی نمی‌گوید، ولی با معرفی این "مثلث قدرت" به طور غیرمستقیم به این موضوع اشاره می‌کند. (جانشینی



حضرت محمد ﷺ، ص ۲۹) مادلونگ همچنین اشاره می‌کند که کایتانی نیز در کتاب مهم تاریخ اسلام نظریه مثلث لامنس را مناسب‌ترین تبیین ریشه‌های خلافت دانسته است. (همان، ص ۳۱).

از دیدگاه مادلونگ، ابوبکر بدون تردید قبل از رحلت پیامبر ﷺ تصمیم گرفته بود که به قدرت برسد. ابتکار عمل انصار به ابوبکر فرصتی داد که طالب آن بود. وی حادثه سقیفه را فرصت مناسبی برای نیل به هدفش و حذف امام علی علیهم السلام دانست. (همان، ص ۷۶ و ۷۷)

برخی نویسندهای جدید از جمله کایتانی (همان، ص ۳۱) و نجاح الطایی (نظریات الخلیفتین، ص ۱۳۵) الهام بخش اقدام‌های مشترک این مثلث را عمر بن خطاب می‌دانند. به نظر اینان، عمر قبل از رحلت پیامبر ﷺ در صدد بود تا مقدمه‌های حل مساله جانشینی را به زیان بنی هاشم و انصار تدارک نماید. دلیل این برداشت، شاید روحیات شخصی عمر از یک طرف و پیش‌بینی انتقال درازمدت قدرت به خود او با وساطت ابوبکر از طرف دیگر باشد، ضرورتی که وضعیت سنی و اجتماعی - مذهبی ابوبکر او را تامین می‌کرد (تاریخ تحول دولت در اسلام، ص ۱۵۹).

علامه عسکری نیز معتقد به طراحی از پیش تعیین شده‌ای است که طی آن افرادی معین از قریش تصمیم داشتند که حکومت را از بنی هاشم دور کنند. (سقیفه، ص ۴۰) ابراهیم بیضون از محققان معاصر نیز اشاره می‌کند: اگر چه جناح‌هایی به دلیل پیچیدگی شرایط، جرات نکرده بودند تمایلات خود را آشکار کنند ولی به صورت غیرمنتظره‌ای با اقدام انصار در گرد همایی سقیفه مواجه شدند. انصار موضوعی را برانگیختند که هنوز در حلقه‌های بسته و پنهان مطرح می‌شد (الأنصار والرسول، ص ۲۹). بنابراین پیش‌قدمی انصار در ماجرای سقیفه فرصتی استثنایی برای رسیدن ابوبکر و عمر به اهدافشان ایجاد کرد و آنها از این فرصت به بهترین نحو استفاده کردند.

یکی از مسائلی که نشانگر نقشه‌های این گروه بود، جریان انکار رحلت پیامبر ﷺ توسط عمر بود. این ماجرا در بسیاری از کتب تاریخی و روایی ذکر شده است. علت این



کار عمر، آرام نگه داشتن اوضاع تا رسیدن ابوبکر بود و به محض اینکه ابوبکر رسید و اعلام کرد که پیامبر ﷺ وفات یافته است، عمر هم وفات پیامبر ﷺ را قبول کرد. این جریان به خوبی بیانگر نقشه های مشترک و هماهنگی قبلی در میان آنان است. همچنین خبر اجتماع انصار در سقیفه به طور سری فقط به ابوبکر و عمر داده شد و هنگامی که آنان شتابان روانه سقیفه بودند، افراد حاضر در خانه پیامبر ﷺ از این ماجرا، بی خبر بودند و عمر و ابوبکر نیز آن را با عموم مسلمانان، یا لاقل بزرگان قوم در میان نگذاشتند تا اگر شری است با همفکری دیگران برای آن چاره اندیشی کنند. که این ها نشان از نقشه و هماهنگی قبلی آنان در به دست گرفتن حکومت دارد. (عوامل نادیده گرفتن غدیر و اجتماع در سقیفه، ص ۳۲؛ خاستگاه خلافت، ص ۴۱۹-۴۲۱).

عمر در خطبه اش درباره سقیفه می گوید: "اجتمع المهاجرون الى ابى بكر" مهاجران درباره ابوبکر متفق بودند وی سپس می گوید: به ابوبکر گفتم بیا به سوی انصار که در سقیفه جمع شدند برویم. با دقت در این عبارات می توان از میزان تلاش این عده مطلع شد. زیرا توافق مهاجران بر ابوبکر، اگریک ادعای صرف نباشد نیازمند مذاکرات بسیار و رایزنی های فراوان است و نمی شود به یکباره مهاجران بعد از رحلت رسول خدا ﷺ، بر ابوبکر اتفاق کنند؛ زیرا قبل از سقیفه هیچ جلسه آشکاری تشکیل نشده بود تا آنان نظر همه مهاجران را جویا شوند و بفهمند که آنان چه نظری دارند. پس می بایست این افراد قبل از رحلت رسول خدا ﷺ به تلاش وسیعی دست می زندند و با یکایک مهاجران به توافق قبلی می رسیدند. (عوامل نادیده گرفتن غدیر و اجتماع در سقیفه، ص ۲۹).

بنابراین در تحلیل علت اقدام انصار، آنچه منطقی تر می نماید این است که طرح چنین سخنانی از سوی انصار در آن ساعات، واکنش در مقابله با اقدامات مهاجران باشد، نه موضع گیری در برابر وصایای پیامبر خدا ﷺ (مثلًاً حدیث دار، منزلت، غدیر خم و ...) شاید بتوان مثلًاً تخلف برخی از سران مهاجران از پیوستان به سپاه اسامه به رغم تاکید بسیار پیامبر ﷺ بر اعزام سریع آن، جلوگیری از آوردن کاغذ و دوات برای پیامبر ﷺ، همچنین پیشگویی های پیامبر ﷺ درباره محروم گشتن انصار از حقوق اجتماعی خود



وروی آوردن سیاهی آشوب‌ها در آینده نزدیک را از عواملی به شمار آورد که انصار را برآن داشته تا به گمان خویش برای حفظ موقعیت و منافع خود در سقیفه گرد هم آیند (استقرار و تحکیم خلافت در مدینه، ص ۲۲۶؛ اندیشه‌های سیاسی اسلام و ایران، ص ۱۵).

لذا اگر به اوضاع و احوال صدر اسلام قدری بیشتر توجه کنیم متوجه می‌شویم که انصار از توطئه‌ها و دسته بندی‌های ضد عترت کاملاً آگاه بودند و با خود می‌گفتند اگر قرار باشد که حق در مسند خود قرار نگیرد، کار ما ساخته است. لذا مجتمع شدند تا در برابر قریش و مهاجران سدی محکم واستوار بنیان کنند و در مقابله با فتنه‌ها و کینه کشی‌های بدرو واحد متحدًا و تحت زعامت و ریاست یک تن، از حق خودشان دفاع نمایند. لذا در سقیفه بنی ساعده جمع شدند تا فکری برای آینده خود بیندیشند و لااقل اصرار کنند اگر مهاجران قریشی بخواهند خلافت را قبضه کنند، آنان نیز برای خود امیری انتخاب کنند (سیره علوی، ص ۲۳-۲۵).

البته بنا به تحلیل مادلونگ، انصار مانند بسیاری از قبایل عرب که در گیررده بودند، گرچه در اعتقادات اسلامی خود راسخ بودند، بدون تردید تصور می‌کردند با رحلت پیامبر ﷺ بیعت آنان با او به پایان رسیده است و آنان با احتمال فروپاشی جامعه سیاسی که محمد ﷺ آن را بنا کرده بود با تجمع خود خواستند دوباره اداره شهرشان را خود در دست گیرند و به همین منظور بدون مشورت با مهاجران، تجمع کردند. آنها می‌پنداشتند که مهاجران دلیل موجهی برای اقامت در مدینه ندارند و به شهر خود مگه مراجعت خواهند کرد کسانی که مایل باشند در مدینه بمانند احتمالاً حکومت انصار را خواهند پذیرفت. این پیشنهاد که انصار و مهاجران هریک برای خود یک امیر انتخاب کنند به روشنی پیشنهاد سازشی عادلانه بود نه به طوری که در روایات بعدی مسلمانان مشاهده شده، توطئه‌ای گمراه کننده برای اختلاف در جامعه مسلمانان (جانشینی حضرت محمد ﷺ، ص ۶۵).

البته به نظر می‌رسد دیدگاه فوق چندان منطقی به نظر نرسد؛ چرا که همانطور که ذکر شد انصار با قرائتی پی برده بودند که گروهی از مهاجران قصد تسلط بر قدرت را دارند و



آنان با تجمع در سقیفه قصد پیشگیری داشتند. تحلیل ابراهیم بیضون چنین است که موضع انصار اولین سمت گیری سیاسی در اسلام است. ولی آیا انصار در آن هنگام واقعاً در پی دردست گرفتن حکومت بودند، در حالی که آنها از آنچه در این مورد اندیشیده و بطور پنهانی طراحی می‌شد بی خبر نبودند؟ شاید همین موضوع آنها را به تحرک واداشت. البته نه برای درخواست حکومت، بلکه برای مشارکت در آن و تاکید بر ضرورت استمرار نقش موثر خود در مرحله پس از رحلت رسول اکرم ﷺ. عوامل متعددی انصار را بر آن داشت تا در آن لحظه سکوت را بشکنند ولی نگرانی از حوادث آینده بارزترین عامل در این اقدام بود. نگرانی از معادله ای که بدون حضور آنان و بلکه بروزیان آنها شکل خواهد گرفت. به ویژه که پیامبر ﷺ نیز از رویدادهایی که پس از او در انتظار انصار است خبر داده بود. لذا احساس خوف از پیگرد و سرکوبی در میانشان رشد کرد. (الأنصار والرسول، ص ۳۰-۳۱).

سال نوزدهم، شماره ۶۷، پاییز ۱۴۰۲

از گفتگوهای مهاجر و انصار در سقیفه نیز به خوبی بر می‌آید که انصار نسبت به مهاجران نرم خوترو مسالمت جو تربوند و از همین رو چون سخن پیشوایی به میان آمد حاضر شدند خلافت را با شرکت مهاجران عهده دار شوند. آنها خلافت و پیشوایی را برای سلطه بر مقدرات و شئون مسلمانان دنبال نمی‌کردند و بیشتر منظورشان پیگیری ارزیان و صدمه ای بود که حکمرانی مهاجران ممکن بود برایشان پدید آورد.

در ادامه به دیگر عوامل رویکرد انصار به خلافت پرداخته شده و سعی در تجزیه و تحلیل آن می‌شود:

### خدمات انصار در عصر پیامبر اعظم ﷺ

هجرت رسول اکرم ﷺ به مدینه، اوس و خزر را در جرگه حامیان اسلام قرارداد، آنها با دعوت از پیامبر ﷺ و پناه دادن به مهاجران باعث تشکیل حکومت اسلامی شدند، خدمات ارزنده انصار در راه حمایت اسلام از دید هیچ محققی پنهان نیست. آنها در ده سال دوره حیات پیامبر ﷺ در مدینه همچنان به اسلام خدمت کردند و در تعالیٰ ورشد آن کوشابوند، لذا انصار برای خود حق خاص و سابقه غیرقابل انکاری قائل شده بودند



و چون در تقویت اسلام سهم داشتند با ذکر جمیل و احترام از آنها یاد می‌شد، همین معانی آنها را به طمع اندخته بود تا در نتیجه موفقیتی که در نصرت مسلمین احراز کرده بودند، امارت مسلمین را بدست آورند. دعوت از پیامبر ﷺ و بستن پیمان دفاعی با آن حضرت، همچنین کمک مالی و مکانی به مهاجران، جا دادن به آنها در مدینه باعث شده بود که آنها خود را در طلب حکومت شایسته تربانند. (السقیفه، ص ۹۶-۸؛ الانصار و الرسول، ص ۷۳-۱۲۹).

بنابراین پذیرش سریع دعوت پیامبر ﷺ توسط انصار و جهاد انصار در کمک به اسلام و اعتلای اسلام در کنار رضایت پیامبر ﷺ از انصار و سخنان ایشان در این زمینه و اظهار دوستی به انصار و گواهی‌های مکرر ایشان در این زمینه از جمله دلایل توجه انصار به خلافت بود (الانصار رمز الایثار و ضحیه الاثره، ص ۲۱۹-۲۲۰). لذا برخی انصار با توجه به نقش خود در نفوذ و گسترش اسلام، خلافت را به منزله پاداش زحمات خویش می‌دانستند و با توجه به این امر خویشتن را خطاكار نمی‌شناختند (الانصار والرسول، ص ۷۳-۷۶). تقریباً سعد بن عباده نیز در سخنانش در سقیفه به موارد فوق در شایستگی انصار برای کسب خلافت اشاره کرد (تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۱۸؛ السقیفه و فدک، ص ۵۵).

### ترس انصار از انتقام قریش و بویژه بنی امية

دعوت انصار از پیامبر ﷺ توانست تمام تصمیمات قریش علیه پیامبر ﷺ را نقش برآب کند و موقعیت مذهبی و تجاری آنها را در مکه متزلزل سازد. کمنگ کردن نقش مکه در حجază و تهدید تجاری آن شهر به خاطر وجود مسلمانان در مدینه باعث شده بود که کینه انصار در دل قریش جایگیر شود. از طرف دیگر کشتن سران و بزرگان قریش توسط انصار و شکست‌های قریش در جنگ‌های متعدد با پیامبر اسلام ﷺ، عامل دیگری در ایجاد کینه و نفرت بین قریش و انصار بود.

جمعیت رو به تزايد قریش در مدینه به ترس انصار دامن می‌زد؛ زیرا آنها قریش را به عنوان قدرت برتر و نیرومند تراز خود مشاهده کرده و از ابتدامی دانستند که قریش طالبان خلافت هستند. در جریان سقیفه هم، قبل از اینکه مهاجران بر انصار وارد شوند در پایان



سخنان سعد بن عباده، انصار گفتند که اگر قریش موافقت نکنند چه باید کرد؟ در جواب گفتند: خواهیم گفت که از ما یک امیر و از شما یک امیر و سعد بن عباده گفت: این سخن سستی است (تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۱۹).

لذا می‌توان گفت که انصار تنها از قریش می‌ترسیدند و گویی می‌دانستند که آنها طالب خلافت هستند. انصار در صحبت هایشان نامی از بنی هاشم نیاوردند، با اینکه حضور انصار در روز غدیر خم، خلافت امام علی علیهم السلام را برایشان مسلم ساخته بود، اما شرایط موجود در جامعه نشان دهنده کمرنگ شدن یاران امام بود. انصار متوجه این حقیقت شده بودند که امام علی علیهم السلام با شرایط موجود در جامعه به خلافت نمی‌رسد، انصار می‌دانستند که انتخاب علی علیهم السلام به عنوان کسی که تعصبات قریشی در او نقشی نداشت و مورد پذیرش انصار نیز بود، برای منصب خلافت و جانشینی پیامبر علیهم السلام با مقاومت‌های آشکاری روبرو خواهد شد؛ در نتیجه خود در طلب آن گام برد اشتند انصار در چنین موقعیتی با توجه به اینکه امر خلافت از منبع اصلی و مسیرش خارج می‌شد، اقدام در تحصیل خلافت را برای خودشان، خطای بزرگی نمی‌انگاشتند و خود را اولی به این مقام دانستند لذا برای بی‌بهره نماندن از قدرت و حذف کامل، لازم دیدند که چنین حرکتی را از خود ظاهر سازند.

همچنین انصار همواره از روزی که پیامبر علیهم السلام نباشد و مگیان بخواهند انتقام گذشته را بگیرند در هراس می‌بودند؛ آنها فریاد سعد بن عباده را که در روز فتح مکه می‌گفت: امروز روز انتقام است راهنوز از یاد نبرده بودند. برای انصار روشن بود که دیر یا زود رؤسای قبایل مکه از آنها انتقام خواهند کشید (رفتار‌شناسی امام علی علیهم السلام در تاریخ، ص ۳۰-۳۱؛ الانصار والرسول، ص ۷۶).

از مجادلات بین مهاجران و انصار در سقیفه چنین استنباط می‌شود که آنها از تسلط مهاجران بر خود می‌ترسیدند و بواسطه ترس از این که کسی غیر از خودشان بر آنها حکومت کند و به دلیل عملکردشان در حمایت از پیامبر در مقابل کفار والبته اوج گرفتن رفتارهایی مبتنی بر قبیله گرایی در بین مهاجران و انصار در سال‌های پایانی زندگی پیامبر علیهم السلام و



به خصوص پس از فتح مکه و سال وفود قبایل، می‌ترسیدند که مورد انتقام واقع شوند (قدرت، دانش مشروعیت در اسلام، ص ۱۴۸-۱۴۹، السقیفه، ص ۹۷).

این هراس، حباب بن منذر را در سقیفه واداشت تا به ابوبکر بگوید: نسبت به تو و یارانت حسادت نمی‌ورزیم اما ترس ما از این است که حکومت بدست کسانی افتاد که از آنان کشته ایم و نسبت به ما کینه ورزی کنند (انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۰) حباب به ابوبکر گفت: به خدا از اینکه این امر به شما تعلق بگیرد ناراحت نیستیم، اما ترس ما این است که بعد از شما حکومت به دست کسانی افتاد که فرزندان و پدران و برادرانشان را کشته ایم (السقیفه و فدک، ص ۴۹).

علوم است که کسانی که حباب از آنان برای انصار بیم داشت، بنی امية بودند. حباب بن منذر بعد از بیعت ابوبکر گفت: ای گروه انصار بدانید، سوگند به خدا، روزی را می‌بینم که فرزندان شما درب خانه‌های مهاجران خواهند ایستاد و از آنان آب خواهند خواست و آنان از شماره دیرخواهند کرد. ابوبکر به حباب کفت: حباب آیا از ما می‌ترسی؟ حباب گفت: از تو بیمی ندارم ولی از کسی که بعد از تو خواهد آمد می‌ترسم (الامامه و السياسه، ج ۱، ص ۲۶-۲۷). کسانی که بعد از تومی آیند هنگامی که من و توبویم و دیگران بیایند ما را سخت عذاب خواهند داد (كتاب الرد، ص ۸۴).

با توجه به ترس انصار بخاطر قتل سران قریش در جنگ‌های پیامبر ﷺ، در این صورت باید دید قریش چه برخوردی با امام علی علیه السلام می‌کردند که در بدر به تنها یی نیمی از کشتگان قریش را به تنها یی به قتل رسانده بود (تاریخ تحول دولت در اسلام، ص ۸۴). ابن ابی الحدید در این زمینه می‌نویسد: پیش بینی و تشخیص حباب بن منذر درست بود، زیرا همان چیزی که از آن بیم داشت، روز حرّهٔ فرار سید و انتقام خون مشرکان کشته شده در جنگ بدر را از انصار گرفتند (شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۳).

پیشنهاد این مطلب از جانب انصار که "از ما امیری و از شما امیری" خطاب به مهاجران حاضر در سقیفه، نمونه بارزی است که انصار می‌خواستند به نوعی در حکومت شریک باشند و با این کار از خطر انتقام قریش در امان باشند یکی از انصار گفت: ای



گروه مهاجرین پیامبر خدا ﷺ هنگامی که مردی از شمارابه کاری می‌گماشت همانند او فردی از ما را نیز می‌گماشت پس این امر را به دو مرد از ما و از شما واگذار کنیم و خطباء انصار از این امر متابعت کردند (تاریخ الخلفاء، ص ۶۸).

انصار به ابوبکر گفتند: ما نسبت به شمارشک نمی‌ورزیم و هیچ یک از مردم در نظر ما دوست داشتنی تراز شما گروه مهاجران نیست، لیکن ما از فردای خود هراسانیم و از آن بیم داریم که کسی برخلافت فائق شود که نه از ما باشد و نه از شما (بنی امیه). اگر امروز مردی از ما و مردی از شما کار خلافت را در دست بگیرد ما به این خلافت راضی و خشنود هستیم و با آنان بیعت می‌کنیم، هرگاه هریک از آن دو تن از دنیا رفت، فرد دیگری را برمی‌گزینیم و شایسته است که در امت محمد ﷺ کار خلافت به صورت عادلانه انجام شود و هریک از ما از دیگری پیروی کنیم و اگر فرد قریشی خواست خلافی مرتکب شود انصار براو سخت بگیرند و همین طور اگر فردی از انصار خواست خلافی مرتکب شود قریش براو سخت بگیرد (الامامه والسياسة، ج ۱، ص ۲۳-۲۴؛ العقد الفريد، ج ۵، ص ۱۱).

از سخنان انصار به خوبی می‌توان فهمید که انصار به وضوح در یافته بودند که عده‌ای برای بدست آوردن حکومت در تلاشند که سالیان متمادی در حال جنگ و سنتیز با اسلام بودند و آنها همان کسانی بودند که انصار، در جنگ‌ها، پدران و برادرانشان را به هلاکت رساندند و اگر آنان زمام امور را در دست گیرند انصار از انتقام آنها در امان نخواهند بود.

آن گروه جزبی امیه و طرفدارانشان نبودند. اگرچه انصار از شخص ابوبکر چندان ترسی نداشتند، ولی بزرگان و آگاهان انصار، همچون حباب بن منذر به خوبی می‌دیدند که اگر امروز افرادی مثل ابوبکر بر سر کار آیند پس از آن کسانی بر سر کار می‌آیند که به یقین با انصار سراسر از ندارند و راه دشمنی و انتقام را در پیش می‌گیرند. همانطور که حباب بن منذر پیش بینی نموده بود واقع شد و طولی نکشید که فرزندان طلقاء بر سر کار آمدند و بر انصار سخت گرفتند و نهایت به کشتار مردم مدینه در واقعه حرّه منتهی شد (عوامل نادیده گرفتن غدیر و اجتماع در سقیفه، ص ۳۵؛ تاریخ تحول دولت در اسلام، ص ۸۲-۸۳؛ الانصار و الرسول، ص ۷۶).



بنابراین آنچه انصار را به این اقدام نسبتی نسبت دادند ترس همراه با رقابت با قریش بوده است و از آنجا که شهر مدینه موطن اصلی آنان بود و مهاجران در واقع به آنها پناهندگان شده بودند بطور طبیعی آنان برای خود نوعی اولویت در تعیین سرنوشت حکومت بر مدینه می‌دیدند لذا آنان در سقیفه جمع شدند تا برای آینده خود و مدینه چاره‌ای بیندازند و هدف اصلی آنان از این اجتماع، چاره‌ای اندیشه برای خودشان بود که پس از پیامبر ﷺ چه کنیم و اگر حوادثی اتفاق افتاد چگونه عمل کنیم (عوامل نادیده گرفتن غدیر و اجتماع در سقیفه، ص ۳۴).

البته با توجه به جایگاه انصار، اگر آنان صبر می‌کردند یا در همان سقیفه بر حمایت از امام علی علیهم السلام پافشاری می‌کردند، به یقین گروه‌های دیگر موفق نمی‌شدند به راحتی حکومت را از دست امام علی علیهم السلام بگیرند؛ زیرا جایگاه انصار در این امر بسیار ممتاز بود. شاهد این ادعا، اصل حضور ابوبکر و عمر در جمع انصار بود. حال اگر انصار نقش تعیین کننده‌ای نداشتند ابوبکر و عمر، شتابان خود را به جمع آنان نمی‌رساندند و امرخویش را از آنجا بنامی نهادند (همان، ص ۳۶).

آنچه از این اتفاقات در سقیفه

### عدم حضور انصار شاخص طرفدار امام علی علیهم السلام در سقیفه

اگرچه دیدگاه انصار نسبت به امام علی علیهم السلام مثبت بوده و برخی منابع دست اول تاریخی از تمايل آنان برای بیعت با امام بعد از رحلت پیامبر ﷺ خبر داده‌اند (السقیفه و فدک، ص ۴۳) یا اینکه در سقیفه نیز گروهی از آنان بانگ برداشتن که لانبایع الا علی، فقط با علی بیعت می‌کنیم (تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۳) اما با مرور متون تاریخی مربوط به سقیفه باستی گفت بسیاری از انصار شاخص طرفدار امام علی علیهم السلام مانند جابرین عبدالله انصاری در سقیفه حضور نداشتن.

طبق روایتی از ابو حمزة ثمالی از امام باقر علیهم السلام که از جابرین عبدالله انصاری در خصوص اخبار مربوط به واپسین لحظات زندگی پیامبر اعظم ﷺ نقل شده، می‌توان گفت جابر جزو افراد بسیار نزدیکی بوده که در کنار بستر پیامبر ﷺ حضور داشته است (جابرین عبدالله انصاری رازدار خاندان رسالت و امامت، ص ۳۳).



وجود روایات و گزارش‌های جابر در سیره نبوی و دفاتر حدیثی ثابت شده و می‌توان گفت که نوشه‌های وی، نخستین جزوه‌های مکتوب در سیره بوده است. این نوشه‌ها شاید نامرتب بوده و از سوی فرزند و برخی شاگردان او نسخه برداری شده و به نسل بعدی سیره نویسان مانند ابن اسحاق و اقدی انتقال یافته‌اند (سیره نگاری جابرین عبدالله انصاری؛ شفاهی یا مکتوب؟، ص ۱۰۴) البته با توجه به حضور نداشتن ایشان در سقیفه، گزارشی در خصوص این واقعه نداشته است.

گزارش‌های جابر درباره حوادث دوران رسالت جسته و گریخته نیست. بلکه هم پای حوادث سیره بخصوص ده سال مدینه، گزارش‌های بلندی نیاز ایشان نقل شده است. در این میان تخصص و صحابی و مدنی بودن جابر و حضور فعال او در حوادث دارای اهمیت است. همچنین دشمنی و تلاش مغرضانه حاکمان اموی و علمای همسوی با آنان علیه بنی هاشم و انصار را نیز باید مدنظر قرارداد (همان، ص ۷۷)

### نتیجه‌گیری

دعوت انصار از پیامبر ﷺ توانست تمام تصمیمات قریش علیه پیامبر ﷺ را نقش برآب کند و موقعیت مذهبی و تجاری آنها را در مکه متزلزل سازد. کمرنگ کردن نقش مکه در حجază و تهدید تجاری آن شهر به خاطر وجود مسلمانان در مدینه باعث شده بود که کینه انصار در دل قریش جایگیر شود. از طرف دیگر کشتن سران و بزرگان قریش توسط انصار و شکست‌های قریش در جنگ‌های متعدد با پیامبر اسلام ﷺ عامل دیگری در ایجاد کینه و نفرت بین قریش و انصار بود. لذا می‌توان گفت که انصار از تسلط قریش می‌ترسند و با قرائتی متوجه شده بودند که آنها در صدد به دست گرفتن خلافت هستند لذا انصار برای بی‌بهره نماندن از قدرت و جلوگیری از حذف کامل، با تجمع در سقیفه در صدد مقابله برآمدند.

بنابراین در تحلیل علت اقدام انصار، آنچه منطقی ترمی نماید این است که تجمع آنان در سقیفه و طرح سخنانی درباره‌ی جانشینی پیامبر ﷺ، واکنشی در مقابله با اقدامات مهاجران بوده، نه موضع گیری در برابر وصایای پیامبر خدا ﷺ (مثلًاً حدیث دار، منزلت،



غدیر خم و ...) لذا آنچه انصار را به این اقدام نسبت‌گذارد و داشت ترس همراه با رقابت با قریش بوده است، همچنین از آنجا که شهر مدینه موطن اصلی آنان بود و مهاجران در واقع به آنها پناه‌نده شده بودند بطور طبیعی آنان برای خود نوعی اولویت در تعیین سرنوشت حکومت بر مدینه می‌دیدند لذا آنان در سقیفه جمع شدند تا برای آینده خود و مدینه چاره‌ای بیندازند. البته با مرور مدت‌گذاری مربوط به سقیفه بایستی گفت بسیاری از انصار شاخص طرفدار امام علی علیهم السلام مانند جابر بن عبدالله انصاری در سقیفه حضور نداشتند که می‌توانند حاکی از همراهی آنان با امام علی علیهم السلام و بنی هاشم باشد.

### منابع

- ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد، شرح نهج البلاغه، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷.
- ابن اثیر، عزالدین بن علی، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۵-هـ ق، ۱۹۶۵م.
- ابن هشام، ابو محمد عبد الملک، سیره ابن هشام، الجزء الرابع، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، طبع الأول، ۱۴۱۵-هـ ق، ۱۹۹۴م.
- ابن عبدالربه، شهاب الدین ابو عمر واحمد بن محمد، العقد الفريد، طبع الأول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴-هـ ق.
- آل عکله، طاهر، الانصار رمز الایثار و ضحیه الاثر، طبع الأول، بیروت: دارالهادی، ۱۴۲۱/۵۰۰۱م.
- برزگر، ابراهیم، تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران، چاپ چهارم، تهران: سمت، ۱۳۸۴.
- بلادری، احمد بن یحیی، انساب الاسراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷-هـ ق، ۱۹۹۶م.
- بهبودی، محمد باقر، سیره علوی، چاپ اول، ناشر: مولف، چاپ حیدری، ۱۳۶۸.
- بیضون، ابراهیم، الانصار والرسول، طبع الأول، بیروت: دارالهادی، ۱۴۲۷/۵۰۰۶م.
- بیضون، ابراهیم، رفتارشناسی امام علی علیهم السلام درآینه تاریخ، ترجمه: علی اصغر محمدی سیجانی، چاپ اول، دفترنشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
- تاری، جلیل، عوامل نادیده گرفتن غدیر و اجتماع در سقیفه، نشریه معرفت، اردیبهشت، ۱۳۸۳، شماره ۷۷.
- جعفریان، رسول، تاریخ تحول دولت در اسلام، چاپ دوم، قم: مرکزانشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
- جوهری، ابوبکر احمد بن عبد العزیز، السقیفه و فدک، تحقیق: محمد هادی امینی، تهران: مکتبه النینوی الحدیثه، ۱۴۰۱-هـ ق.



جمعی از محققان و پژوهشگران حوزه علمیه اصفهان، جابرین عبدالله انصاری رازدارخاندان رسالت و امامت، اصفهان: محبان حسین علیه السلام، ۱۳۹۷.

دینوری، ابن قتیبه، الامامه و السیاسه، ج ۱، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالاضواء، طبع الاول، ۱۴۱۰ هـ - ق ۱۹۹۰ م.

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابوبکر، تاریخ الخلفاء، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، بی‌نا، بی‌نا.

طالقانی، سعید، تعامل انصار با اهل بیت، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۹.

الطائی، نجاح، نظریات الخلیفین، بیروت: مطبعه الهدی، ۱۴۱۸ هـ - ق ۱۹۹۸ م.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، تحقیق: محمد ابو الفضل ابراهیم، دارالتراث، ط الثانیه، ۱۳۸۷ هـ - ق، ۱۹۶۷ م.

عالیزاده، هادی، استقرار و تحکیم خلافت در مدینه، فصلنامه: تاریخ الاسلام، سال چهارم، پاییز ۱۳۸۲، شماره ۱۵.

عالیزاده، هادی، ابوبکر، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۸.

عبدالفتاح، عبدالمقصود، خاستگاه خلافت (سقیفه، نقطه جدایی خلافت و امامت) مترجم: حسن افتخارزاده، تهران: نشرآفاق، ۱۳۷۶.

فیرحی، داوود، قدرت، دانش مشروعيت در اسلام، تهران: نشرنی، ۱۳۷۸.

فیرحی، داوود، تاریخ تحول دولت در اسلام، چاپ دوم، قم: انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۶.

قادری، حاتم، اندیشه‌های سیاسی اسلام وایران، تهران: سمت، ۱۳۷۸.

لامنس، هنری، مثلث قدرت ابوبکر، عمر و ابو عبیده، مجموعه مقالات دانشکده مطالعات شرقی، دانشگاه سن ژوزف، بیروت، دوره ۴.

مادلونگ، ولفرد، جانشینی حضرت محمد ﷺ، ترجمه: احمد نمایی، جواد قاسمی، محمد جواد مهدوی، حیدر رضا ضابط، چاپ چهارم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۸.

مظفر، محمدرضا، السقیفه، قم: موسسه انصاریان للطبعه والنشر، ۱۴۱۵ ق.

واقدی، محمد بن عمر، کتاب الرده، تحقیق: یحیی الجبوری، طبعه الاول، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۴۱۰ هـ - ق، ۱۹۹۰ م.

هدایت پناه، محمدرضا، سیره نگاری جابرین عبدالله انصاری؛ شفاهی یا مکتوب؟، فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ اسلام، سال ۲۱، شماره ۸۲، تابستان ۱۳۹۹.

یعقوبی اردبیلی، احمد حسین، نظریه عدالت صحابه، ترجمه: مالک محمودی، قم، ۱۳۷۲.

1. Lammens, p, h, "le triumvirat, abu bakr, omar et abou obaida ", mélanges de la faculte orientale, birut, 1973, vol (iv).